ماشین‌نوشته‌ها: زمینه‌ساز نوعی خرده‌ژانر در ادبیات

چکیده:

عبارات و ابیاتی که از فرهنگ و ادبیات رسمی و عامه بر بدنه‌ی ماشین(خودرو) به عنوان شاخصه‌ای از جهان مدرن، نوشته می‌شود به گونه‌ای شاید بتوان مواجهه‌ی جهان مدرن و سنتی یا خوانش عامه از فرهنگ و ادبیات دانست. که در این خوانش، ادبیات رسمی، گاه از قالب، نوع و سبک خود جدا شده ، در فضایی متفاوت نمود می‌یابد. این پژوهش می‌کوشد با نظری به مباحث ژانر، نشانه شناسی لایه‌ای و آراء کسانی مانند کریستوا(Kristova) و دبور(Debord)، فلسفه‌ی شکل‌گیری خودرونوشته‌ها را جستجو کند و ضمن مقایسه‌ی آن با برخی انواع فرعی وهنر اجرا (Performance art)، ماشین نوشته‌ها را به مثابه‌ی خرده ژانر تحلیل و تبیین کند. نتایج، نشان داد ماشین‌نوشته‌ها به مثابه‌ی خوانشی از فرهنگ و ادبیات، به همراه لایه‌ی دیداری متن (زمینه و بافت) وشاخصه‌های صنفی ، همچنین با توجه به ویژگی‌ها و نشانه های نزدیک یا تقریبا همسان با گونه‌های کلاسیک و نو، خود در هیات یک خرده ژانر شکل گرفته است. در عین حال، با توجه به پیوستگی خودرونوشته‌ها با بدنه‌ی خودرو، درباره این سازواره‌ی متن، از منظر کریستوا می‌توان گفت ماشین-نوشته‌ها، تلاش برای غلبه بر خویشکاری ماشین(نماد جهان مدرن و کالایی شدگی) به عنوان امر نمادین(symbolic) و بازگشت به فرهنگ و ادبیات به مثابه‌ی امرنشانه‌ای(semiotic)است.

کلید واژه ها: "ماشین‌نوشته‌ها"- "خرده‌ژانر"- "ادبیات عامه"- کریستوا

۱- مقدمه:

پرداختن به موضوع‌های حاشیه‌ای شاید کمتر ضروری به‌نظرآید اما وقتی موضوعی حاشیه‌ای دارای وجوه متعددی باشد که ازسویی با ادبیات و فرهنگ و ازسوی دیگر با ابژه‌ای محوری و معناساز (خودرو) و صنفی اجتماعی پیوند یافته‌است شاید راه را بر تحلیل‌هایی اساسی و عمیق بگشاید. ماشین‌نوشته‌ها را ازسویی می‌توان حاصل مواجهه‌ی عامه با فرهنگ و ادبیات گذشته دانست «آبشخور اصلی این دل نوشته ها (ماشین-نوشته‌ها) ادب کهن است اما تلفیق و تغییر و خلق کنایات و تلمیحات بکر نیز، هنری است که گاه در این نوشته ها ، استادانه، به کار می رود»(آنی زاده ، ۱۳۸۵ : ۹۹) پژوهشی میدانی نیز منابع ماشین‌نوشته‌ها را چنین ذکر می‌کند«-اشعار یا عبارت‌هایی که از شاعران و ادیبان بزرگ و مشهور کشور مثل سعدی ، حافظ، نظامی، مولوی، فردوسی... نقل می‌شوند.

- اشعار یا عبارت‌هایی که از شاعران و ادیبان محلی و گمنامند.
- اشعار و عبارت‌هایی که در بین مردم به عنوان مثل و متل شهرت دارند.
- اشعار یا عبارت هایی که سروده‌ی خود راننده یا سایر رانندگان است این اشعار گاهی با دستکاری شعر شعرای دیگر ساخته می‌شود و معمولا وزن و سبک و سیاق درستی ندارد »(هادیان طبایی زواره ، ۱۳۸۸ :

۵۸) این مواجهه یا خـوانش عامـه از فرهنـگ وادبیـات گذشـته بـه بازتولیـد متنـی متفـاوت منتهـی‌شـده کـه چارچوب‌هایی ویژه‌ی خود دارد و می‌توان آن را چون نوعی فرعی در قلمرو ادبیات عامیانه ایران دانست. ایـن نوع، حاصل به هم‌آمیزی انواع و سبک‌های ادبیات رسمی(گذشته و نو)است.

ماشین‌نوشته‌ها، همچنین، سازواره‌ای را شکل‌می‌دهند که آمیزه‌ای از نوشتار و نمایش است زیرا بدنه‌ی ماشین (و نیز جاده)در این متن، همچون لایه‌هایی دلالتگر و معناساز نقش‌آفرینی مـی‌کننـد. از سـوی دیگـر از منظر «ماشین‌نوشته‌ها»، می‌توان خویشکاری «ماشین»(خودرو) را به عنوان نماد جهان مدرن و کالایی‌شـدگی در مقابل فرهنگ و ادبیات به صورت عام و ادبیات کلاسیک به‌صورت خاص ملاحظه‌نمـود و بـه کمـک نظریـه‌ی کریستوا، ماشین‌نوشته‌ها را به‌مثابه‌ی سـرپیچی(revolt) دانسـت رجـوع بـه سـخن والتـر بنیـامین(Walter Benjamin) در مورد هاله‌مندی هنر و ادبیات کلاسیک نیز می‌تواند روشنگر باشد.

با توجه به اینکه ماشین‌نوشته ها موضوعی جدید است؛ می توان، بر پایه‌ی انواع پیشین ، شاخصه‌ها و نشانه‌های نزدیک یا تقریبا همسان را یافت و از این طریق ، ماشین‌نوشته‌ها را به عنوان خرده ژانر، بررسی‌کـرد. البته پیش‌ازاین در بیشتر پژوهش‌ها به این موضوع که ماشین‌نوشته‌ها ژانر هستند اشاره شده‌اسـت امـا از منظـر یادشده هیچکدام به این موضوع نپرداخته‌اند.

ماشین‌نوشته‌ها در هند ، پاکستان و کشورهای عربی نیز رایج است. (هادیان طبایی، ۱۳۸۸ : ۱۳) گرافیتی (دیوار نوشته) و ماشین‌نوشته‌ها نیز در برخی پژوهش‌ها ، مطرح و شباهت‌هاو تفاوت‌های آن‌ها بررسی شده است: . مثلا مالکیت خصوصی ماشین در مقابل عمومی بودن دیوارها ، حرکت ماشین و مخاطب فراوان‌تر ماشین‌نوشته‌ها در مقابل ایستایی دیوار و ...(ر.ک. درویش و الروسان ۲۰۱۹) گرافیتی را هنری خیابانی ، خرده فرهنگ و پدیده‌ای اعتراضی برای بیان اقلیت و به حاشیه‌رانده شدگان می‌دانند (ر.ک .کوثری ، ۱۳۸۹) که به محتوای برخی ماشین‌نوشته‌ها نیز نزدیک است .

این پژوهش با توجه به مباحث ژانر، نشانه‌شناسی لایه‌ای و نظریه‌ی کریستوا ، ضمن مقایسه‌ی ماشین-نوشته‌ها با برخی انواع فرعی وهنر اجرا (Performance art)، تحلیل و تبیین شده است.

مساله‌ی پژوهش، مطالعه نظری موضوعی با عنوان ماشین‌نوشـته‌ها(خودرونوشـته‌ها)سـت؛ جسـتجوی چرایـی، چیستی و فلسفه‌ی آن، در پیوند با خرده فرهنگی که با ورود اتومبیل به عنوان ابـژه‌ای کـه نقـش محـوری دارد شکل می گیرد و سرانجام در هیات خرده ژانری در قلمرو فرهنگ و ادبیات عامه ایران، صورتبندی می‌شـود.از این روی در پی مطالعه میدانی نیست و مبانی نظری و تحلیل‌ها را بر پایه‌ی نمونه های گـردآوری شـده نشـان می‌دهد و نیز استناد به پژوهش های مهمی که درباره‌ی ماشین نوشته‌ها انجام شده است و کتاب‌هایی که نمونه ها را گردآوری و دسته بندی کرده‌اند نظیر کتاب‌های "ماشین‌نوشته‌ها " سید جعفرحمیـدی ،«اتـول‌نامـه» سـید جمال هادیان‌طبایی‌زواره و «ادبیات جاده‌ای» از جواد جلیلی. که در متن به آنها استناد شده‌است .

دو پرسش پژوهش از این قرار است:

۱- فلسفه‌ی شکل‌گیری ماشین‌نوشته‌ها چیست؟

۲- چگونه می‌توان به کمک انواع موجود، ماشین‌نوشته‌ها را همچون خرده‌ژانری در قلمرو ادبیات عامه تعریف و تحلیل کرد؟

۲- پیشینه پژوهش :

پژوهش‌های قابل توجهی درباره ماشین‌نوشته‌ها انجام‌شده‌است که بیشتر شامل پژوهش‌های زبان‌شناسی و پژوهش‌های محتوایی و دسته‌بندی‌های موضوعی ماشین‌نوشته‌هاست و هیچکدام به فلسفه شکل‌گیری ماشین نوشته ها و تکوین خرده ژانر نپرداخته اند. به همین پژوهش‌های نظری و میدانی در تحلیل‌ها استناد شده‌است. مقاله‌ها: بهمن زندی ، مهدی سمایی ومسعود شهبازی در مقاله «بررسی زبان‌شناختی خودرونوشته‌های تهران و اردبیل» (۱۳۹۰)در پژوهشی میدانی ، نمادها ، خطوط ، مضامین ، هویت و جنسیت را در ماشین‌نوشته‌ها بررسی‌کرده‌اند . فرهاد دیوسالار در مقاله «تاملی در ویژگی‌های ادبی و زبانی ماشین‌نوشته‌ها»(۱۳۹۷) به ویژگی‌های ماشین‌نوشته‌ها ، پیوند آن با احوال درونی صاحبان ماشین‌ها، تکثر معنا و مضامین و تغییرات موجود، پرداخته‌است .عباس حسین پوردهنوی در مقاله «بررسی زبان‌شناختی ماشین‌نوشته‌ها از تحلیل کلامی تا تحلیل بلاغی»(۱۳۹۶) ادبیات جاده‌ای را بر اساس نظریه فرکلاف بررسی و به متنیت و گفتمان کلی ماشین-نوشته‌ها بر خلاف ظاهر گسسته‌ی آن اشاره کرده‌است .فایزه عرب‌یوسف‌آبادی وعبدالباسط عرب‌یوسف‌آبادی در مقاله «بررسی تطبیقی ماشین‌نوشته‌های عربی و فارسی بر اساس الگوی هلیدی»(۱۳۹۸)ماشین‌نوشته‌ها را با توجه به کارکردهای اجتماعی براساس هفت نقش زبان در نظریه هلیدی دسته‌بندی کرده‌اند. تالوه و موساه در مقاله «شعر متحرک :تجزیه و تحلیل زبانی ماشین نوشته ها»(۲۰۱۵) به مطالعه زبانی ماشین‌نوشته‌ها در کشور غنا پرداخته‌اند و ضمن اشاره به مضامین و تکثر معنا ، سه گانه مولف ، متن و مخاطب را در ماشین‌نوشته‌ها به مثابه یک متن طرح‌کرده‌اند و ماشین‌نوشته‌ها را درپیوند با عوامل اجتماعی ، وضعیت روانی و تجددخواهی جوانان نشان‌داده‌اند. درویش و الروسان مقاله «کلمات روی چرخ ، بررسی ماشین‌نوشته‌ها در اردن» (۲۰۱۹)پژوهشی میدانی در محدوده زمانی و مکانی معین درباره ماشین‌نوشته‌ها در اردن انجام و دوازده مضمون را در آن‌ها نشان‌داده‌اند ؛ نظیر مضامین فلسفی ، عاشقانه ، آیینی ... و ماشین‌نوشته‌ها را با هنر خیابانی دیوارنوشته‌ها مقایسه‌کرده‌اند.

درپیوند با ژانر نیز داوود عمارتی‌مقدم در مقاله «نقش موقعیت در شکل‌گیری ژانر»(۱۳۹۰) با توجه به رویکرد ریتوریکی و نیز نظریه بختین و میلر به نقش موقعیت و عوامل برون‌متنی در شکل‌گیری ژانر می‌پردازد. . رقیه فراهانی و علی‌رضا فولادی در مقاله‌ی«روش‌ها و انگیزه‌های تحول انواع ادبی»(۱۳۹۹) ضمن مرور

آثاری که درباره‌ی انواع نوشته‌شده‌است به بررسی و دسته بندی متون ادبی فارسی بر اساس روش‌های تحول انواع از الستر فاولر پرداخته‌اند.

.کتاب‌هایی که نمونه‌های ماشین‌نوشته‌ها را گردآوری و دسته‌بندی کرده‌اند: جواد جلیلی در کتاب «ادبیات جاده‌ای»(۱۳۸٤) ، ماشین‌نوشته‌ها را از نظر ویژگی‌های سبکی و موضوعی بررسی‌کرده‌است. سیدجمال هادیان‌طبایی‌زواره در کتاب "اتول‌نامه" (۱۳۸۸)تاریخچه‌ی ورود ماشین به ایران و توضیحاتی ارزشمند درباره‌ی ماشین‌نوشته‌ها ودسته‌بندی‌های موضوعی آن‌ها را آورده‌است. دکتر سیدجعفر حمیدی در کتاب "ماشین‌نوشته‌ها "(۱۳٦۹) دسته‌بندی ،اشارات و نکات مفیدی درمورد ماشین‌نوشته‌ها آورده‌اند.

طاهره هوشنگی در کتاب «فرهنگ اتومبیل در تهران»(۱۳۹۲) پژوهشی جامع و بدیع درباره ماهیت "ماشین" در قلمرو علوم انسانی مبتنی بر آرا و نظریه‌های جامعه شناسان و نیز پژوهشی میدانی درباره اتومبیل درشهرتهران ارایه‌کرده‌است.که در فصل پایانی در پژوهشی میدانی، معانی استفاده از اتومبیل در تهران را در هفده بخش دسته‌بندی و در بخشی کوتاه از همین فصل به ماشین‌نوشته‌ها هم اشاره‌ای کرده‌اند.

۳- مبانی نظری

تمایز میان فرهنگ عامیانه و فرهنگ متعالی و هنر توده و هنر والا در جهان مدرن اصالت داشته است. (ر.ک فکوهی، ۱۳۸۸: ۳۷-۳٦ و پاینده، ۲۰۱:۱۳۸۱) گاه این تمایز بدل به تقابل شده چنان که، بر پایه‌ی رویکردی «واکنش نخبگان به فرهنگ توده به شکل مردود دانستن و تحقیر» (ریچاردز، ۲۹:۱۳۸۸) بوده‌است . مکتب فرانکفورت فرهنگ‌عامه را در قلمرو صنعت فرهنگ و کنترل نظام سرمایه‌داری بر افکار و فعالیت‌های مردم تعریف‌می‌کند. (استریناتی ، ۱۳۸۷ : ۸۸ -۸۷)

مطالعات‌فرهنگی، در نگاهی دیگر ، ادبیات‌عامه را در قلمرو کاری خود قرارمی‌دهد و در خوانشی ، آن را در موضع نقد نظام سرمایه‌داری می‌داند (پاینده ، ۱۳۹۷ : ۲٦٦ و ۲۹۸) پست‌مدرنیسم نیز این تمایزها را مورد تردید قرارمی‌دهد «چنانچه تعاریف پست‌مدرنیسم را بررسی‌کنیم آنچه می‌یابیم تأکیدی‌است بر محو شدن مرز میان هنر و زندگی روزمره، فروریختن تمایز بین هنر و فرهنگ توده‌ای/عامیانه، آشفتگی سبکی کلی و درهم آمیختن بازیگوشانه نشانه‌ها و رمزها» (فدرستون، ۱۳۸٦: ۱۸۷)

شاید بتوان هر دو نگاه بالا را در ماشین‌نوشته‌ها، دید. از طرفی ، با بازگشت به شعر سنتی، به بازتولید گفتمان سنت می‌پردازند و از سوی دیگر، با تغییر در شعر سنتی ، به مثابه‌ی خوانشی متفاوت ، در تضاد با جریان اقتدار، عمل‌می کنند. «فرهنگ عامه عرصه تعارض،تنش و رویارویی ایدئولوژیک است...هم ابزاری برای اعمال سلطه ایدئولوژیک طبقه حاکم است و هم میدان رویارویی و مقاومت در برابر این سلطه» (پاینده ، ۱۳۹۷ : ۲٦۸) .

ماشین(اتومبیل)، همچون شاخصه‌ی جهان مدرن در جهـان سـنتی ایـران، در روزگـار مظفرالـدین‌شـاه (مظفرالدین شاه، اولین اتومبیل را به ایران وارد می‌کند[1] و هم او فرمان مشروطه یعنی گذار از عصر سنت را نیز امضاء می‌کند) شهر ، جامعه و فرهنگ را دگرگون می‌سازد. ماشین به عنوان یـک ابـژه، بـا ورود بـه جغرافیـای زیستی یک سرزمین، در واقع به تمام زوایا و لایه‌های پیدا و پنهان آن واردمی‌شود. کوچـه‌های تنـگ پایتخـت، تن ماشین را برنمی‌تابند؛ ناگزیر دیوارها خراب و کوچه‌ها گشاده‌تر و به خیابان تبدیل می‌شوند. تعداد ماشین‌ها رو به فزونی می‌نهد؛ برای ایجاد نظم، قوانین منطبق با وضع جدید نیاز است پس نظام اداری، دیوارهای زندگی سنتی را ویران می‌سازد و زندگی به رنگی دیگر چهره‌می‌نماید.

ماشین در کارکردی دیگر، فرهنگ، ادبیات سنتی و رسمی را به چالش می‌کشد و آن نوشتن شـعرها و عبارات بر بدنه ماشین است. در جهان سنتی، نوشتن بیتی، مصراعی یا سطری بر ابزارهای زندگی و کـار (ر.ک. سبزیان‌پور، ۱۳۹۰) یا نامگذاری اسب‌ها (ر.ک. مبارکشاه، ۱۳٤٦، ۱۹٤–۱۹۰) و نیز زمزمه کردن و خواندن شـعر در گوش شتران در بیابان‌ها (ر.ک. هادیان طبایی زواره، ۱۲:۱۳۸۸) مرسوم بوده است اما نوشتن شعر و عبـارت بر بدنه ماشین ، مقوله‌ای متفاوت‌است. زیرا هم ماشین و هم نوشته‌های روی آن، وضعیتی جدیـد را ایجـادمی-کنند که نه ماشین به تنهایی و نه آن نوشته‌ها به تنهایی، واجد آن هستند. این مباحث را به کمک نشـانه‌شناسـی لایه‌ای و با وام‌گیری نظریه و مباحثی که کسانی مانند کریستوا ، بنیامین و دبور مطـرح کـرده انـد شـاید بتـوان توضیح داد.

کریستوا، دو وجه دلالت‌گر نشانه‌ای و نمادین (در پیوند با زبان و تن) را برای تحلیل تجربه‌های انتزاعی در زبان ادبی طرح می‌کند (کریستوا، ۱۳۹۸ : ۱۰٦و ۳٦).»« امر نمادین»، نظام‌مند، منسجم و منطقی است؛ در مقابل آن «امر نشانه ای» همچون زبان شاعرانه با انحراف از قواعد دستور زبان همراه است به گونه ای، در زبان شعری است که ساحت نشانه‌ای به امر نمادین هجوم می‌آورد و آن را منحل می‌کند (مکاریک، ۱۳۸٤ : ۲۵۵). کریستوا، امر نشانه‌ای را با فضای «کورا» به معنی زهدان، پرستار و دایه طرح می کند که در نظر او امر نشانه ای در این فضای پیشازبانی با تن مادر ارتباط دارد (مک افی، ۱۳۸۵ :۳۹) و (ملپس، ۱۳۹٤: ٤۰۹) که در میان این دو قلمرو نمادین و نشانه‌ای، سرپیچی شکل می گیرد.

« کریستوا» تحت تأثیر «گی دبور» نویسنده‌ی کتاب «جامعه‌ی نمایش»، درباره‌ی جامعه‌ی کالا زده‌ی مدرن که از روح تهی شده و در سیطره ماشین است می‌گوید: «شاخصه‌ی جهان امروز جامعه‌ی نمایش است.» (مک افی، ۱۳۸۵ :۱۷۰–۱٦۹) و فرهنگ سرپیچی را لازمه‌ی جامعه‌ی نمایش می‌داند .(برت، ۱۳۹۷ : ۱٤۲).

٤–تحلیل داده‌ها

٤–۱ تکوین خرده‌ژانر

٤–۱–۱ لایه‌های دلالتگر : متن و زمینه

فرهنگ و ادبیات (متن) برروی ماشین (زمینه: context)، گونه‌ای جدید را رقم‌زده‌است زیـرا بدنـه‌ی ماشین زمینه‌ای برای یک متن‌است و متن نیز بر این زمینه‌ی جدید مفهومی نو پیداکرده‌است که با مفهـوم قبلـی خود بر کاغذ متفاوت‌است.تاثیر تغییر زمینه‌ی نوشتار را از منظـری دیگـر در سـخن «هیلـیس میلـر»(J.Hillis Miller) شاید بتوان‌دید او، به تغییر ماهیت ادبیاتی که به جای کاغذ ، بر صفحه‌ی رایانه نقش‌می‌بندد اشاره‌می-کند «ادبیات بر روی صفحه ی رایانه به واسطه‌ی رسانه‌ی جدید تغییر بسیارظریفی کرده‌اسـت ادبیـات بـرروی صفحه‌ی رایانه ماهیت جدیدی می‌یابد». (هیلیس میلر ، ۲۱:۱۳۸٤)

«استل برت» (Estelle Barrett)مفسر آثار کریستوا، در تحلیل آثار یک نقاش ، به تاثیر زمینـه و بافـت (گالری و ..) در تحلیل اثر اشاره‌می‌کند و زمینه و بافت را همچون لایه‌ای دلـالتگر و معناسـاز مطـرح مـی‌کنـد «زمینه و بافت گالری و فرآیندهای تکنیکی ساخت تصاویر و گفتمان‌هایی تصاویر را احاطـه‌کـرده‌انـد؛ همگـی رژیمی فراگیر یا بافتی را ایجادمی‌کنند که در بطن آن شکل‌های معینی از قـدرت، حالـت‌هـای مجـاز دیـدن را تعیین‌کرده ... جای‌گرفتن این تصاویر در بافت تهذیب شده‌ی گالری‌هـای بـزرگ بـی‌درنـگ گفتنـی‌هـای ایـن تصاویر را محدودمی‌کند و به آن شکل و شمایل مشخصی می‌دهد »(برت، ۱۳۹۷ : ۱۳۳).

این تغییر ماهیت را از منظر نشانه‌شناسی‌لایه‌ای می توان بررسی‌کرد چرا که در ماشین‌نوشته‌ها، بدنه‌ی ماشین به عنوان لایه‌ی دیداری متن، وجهی دلالت‌گر دارد و تولید معنامی‌کند در تعریف نشـانه‌شناسـی‌لایـه‌ای می‌بینیم" لایه‌های متنی در تعامل با یکدیگر و در تاثیر متقابلی که از هم می‌پذیرند بـه‌مثابـه‌ی عینیـت ناشـی از یک نظام دلالت‌گر تحقق می‌یابند و تفسیرمی‌شوند و ممکن‌است عینیتی فیزیکی در بافتی، در تعامل با لایه‌هـای دیگر متنی در کار ارتباط وتفسیر، دخالت دلالت‌گر داشته‌باشد ودرنتیجه به‌مثابه لایه‌ای از مـتن خوانـده‌شـود."(سجودی،۱۳۸۸:۳۳٤)

٤-۱-۲خوانش عامه از فرهنگ و ادبیات و شکل‌گیری نوع جدید

لایه‌ی نوشتاری ماشین‌نوشته‌ها خود، آمیزه‌ای از انواع پیشین‌است « یک نوع ادبی تازه همیشه از تغییر یک یا چند نوع ادبی قدیمی به‌وجودمی‌آید. یعنی از راه تغییر کلی، یا از راه جابجایی و یا از راه تلفیق» (تودوروف، ۲۸:۱۳۸۷) «رنه ولک»(Rene Wellek) نیز ضمن تأیید به هم‌آمیزی انواع و شکل‌گیری انواع جدید در نظریه امروزی، انواع را نامحدود می‌داند. « نظریه‌ی امروزی نظریه توصیفی است این نظریه تعداد انواع ممکن را محدود نمی‌کند. . . انواع سنتی را می‌توان با هم درآمیخت و نوع تازه‌ای ایجاد کرد» (ولک، ۱۳۷۳: ۲۷۰-۲٦۹) کریستوا نیز از منظر بینامتنیت می گوید «ادبیات تماما بدل به مکالمه‌ای میان اکنون و گذشته می‌شود...یک متن همواره متن دیگر را زیرپامی‌گذارد و به این ترتیب امکانات تازه‌ای خلق می‌کند »(مکاریک، ۱۳۸٤ : ٥٦)

«پیر ماشری» (Pierre Macherey)در مقاله «دفاع از نظریه بازتولید ادبی »، چگونگی عمل در ادبیات را بازتولید خودش می داند«تحقق یک متن الزاما بر بازتولید متون پیش از خودش استوار است این تحقق،

تلویحا یا صراحتا به این متون ارجاع می دهد...ادبیات خود در مجموع می تواند همچون یک متن دیده شود که به صورت متعینی کثرت یافته، دستکاری شده و تغییر شکل داده است»(ماشری ، ۱٤۰۲ : ۹)

ماشین‌نوشته‌ها به مثابه‌ی خوانش عامه از فرهنگ وادبیات وتغییر و به‌هم‌آمیزی انواع برگرفته از ادبیات گذشته، در بسیاری از موارد، قواعد ادبیات رسمی را رها می‌کنند.

«گاهی اشعار شاعران بزرگ ، دست و پا شکسته و به صورت غلط نوشته می شوند ...بعضی از اشعار به صورت ناقص و یا با تغییراتی دیده می شوند» (حمیدی ، ۱۳٦۹ : ٦٦)«اشعار شاعران معروف، با ذوق و سلیقه‌ی رانندگان دستکاری شده» (دیوسالار ، ۱۳۹۷ :۱٦) یا «آبشخور اصلی این دل نوشته‌ها(ماشین‌نوشته‌ها) ادب کهن است اما تلفیق و تغییر و خلق کنایات و تلمیحات بکر نیز، هنری است که گاه در این نوشته ها ، استادانه، به کار می رود»(آنی زاده ، ۱۳۸۵ : ۹۹) یعنی در ماشین‌نوشته‌ها حرکت از ادبیات رسمی به سمت ادبیات عامیانه است حرکتی که وارونه یا برخلاف سخن «شکلوفسکی»(Shklovsky) است. «شکل‌های جدید هنری چیزی جز انواع نازل اعتباریافته نیست (انواع نیمه ادبی) . . . اشعار بلوک از اشعارکولی‌ها، اشعار مایاکوفسکی از اشعار فکاهی روزنامه‌ای سرچشمه‌گرفته‌است. برشت در ادبیات آلمانی و اودن در ادبیات انگلیسی **به جد کوشیده‌اند تا اشعار عامیانه را به ادبیات جدی تبدیل کنند** این امر را می‌توان چنین تعبیر کرد که ادبیات با بازگشت به بدویت همواره خود را تازه می‌کند» (ولک، ۱۳۷۳:۲۷۲)

ماشین‌نوشته‌ها را در این حرکت وارونه شاید بتوان به "شبه ادبیات " نزدیک دانست. شبه ادبیات عنوانی است که گروهی در سال ۱۹٦۹ به جای "ادبیات موازی ،سایر ادبیات ،ادبیات حاشیه ای،ادبیات تفریحی" و... برگزیدند مخاطب این نوع ، طبقات پایین جامعه هستند "درکنار عنوان ادبیات به معنای اخص، وجود عنوانی همچون شبه ادبیات وادبیات جانبی می‌تواند چنین القا کند که در دنیای ادب دونوع ادبیات شکل‌گرفته‌است یکی ادبیات کلان و توجیه‌شده و دیگری ادبیات خرد، کوچک و توجیه‌نشده" (ساجدی نیا ،۱۳۸٤ :۲۲-۲۳) ماشین‌نوشته‌ها شاید پراکنده به‌نظرآیند اما « از متنیت برخوردارند البته از آنجا که ماشین-نوشته‌ها به صورت پراکنده‌اند و در مجموع یک گفتمان کلی را تشکیل می‌دهند که متن آن به صورت گسسته در ماشین‌نوشته‌ها به‌صورت ظاهرا تصادفی توزیع‌شده‌است » (حسین‌پوردهنوی ، ۱۳۹٦ :۱٦۹-۱۷۰)[۲]

ماشین‌نوشته‌ها، با زیرپانهادن قواعد حاکم بر ادبیات رسمی، به گونه‌ای زیبایی‌شناسی ادبیات سنتی را وامی‌نهند. در ماشین‌نوشته‌ها بخشی از یک شعر انتخاب‌می‌شود که با این انتخاب، شعر از قالب سنتی خود خارج‌می‌شود همچنین از نظر وزن و قواعد دستوری در متن دخل و تصرف می‌شود گاه حتی واژه‌هایی یا مصراعی حذف‌شده و واژه و مصراعی که با ابزارها یا قسمت‌های مختلف ماشین در پیونداست افزوده یا جایگزین‌می‌شود[۳]«شماری از ابیات شاعران با تغییراتی متناسب با روحیات قشر راننده استفاده شده‌اند... وزن معیوب بسیاری از این اشعار... و بخش بسیاری از این اشعار با استناد به قطعات مختلف اتومبیل سروده شده‌اند»(جعفری قنواتی ، ۱۳۹۸ : ۱)و «بریده‌بودن مطالب یعنی تک‌بیت بودن و ...شدت بیشتری به این ویژگی

بخشیده‌است چرا که با برشی از یک مجموعـه، یـافتن مفـاهیم و بـار معنـایی کلمـات بسیاردشـواراسـت ...آن معیارهایی که برای سنجش آثار، خصوصا آثار کلاسیک به‌کار می‌رود اینجا صادق‌نیست»(جلیلـی ، ۱۳۸٤ : ٤۲) بنابراین «سلسله‌مراتب و تحولات زیبایی‌شناختی با اختلاط ژانرها و درهم‌آمیختن شکل‌های هنری والا و مردمی و تجاری فرومی‌ریزند» (فدرستون، ۱۹۳:۱۳۸٦)

٤-۱-۳ سازواره‌ی متن و هنر اجرا:

در ماشین‌نوشته‌ها، «خودرو، نوشته، راننده و جاده» در مجموع یک متن را می‌سازند زیرا نوشتن مطلب روی کاغذ با نوشتن روی بدنه‌ی ماشین متفاوت‌است در حالت اول کاغذ در ساختار متن نقشی ندارد ولی در حالت دوم خودرو و اجزای دیگر (راننده و جاده) در متن نقش‌آفرینی می‌کنند و سازواری متن را باعث می‌شوند . سخن ریچاردز را که به کارکرد ماشین در زندگی روزمره اشاره دارد شاید بتوان تا اندازه‌ای به همین موضوع نزدیک‌یافت«اتومبیل قادر است ابزاری برای بیان احساسات ما باشد» (ریچاردز، ۱۵۰:۱۳۸۸)

. سازواره‌ی «ماشین، نوشته، راننده و جاده» را شاید بتوان با اغماض به کمک سخن رنه ولک در مورد «خواندن» و «منظر» در شعر و نمایش نیز توضیح داد. «امروزه اغلب شعر و رمان را با چشم خود می‌خوانند اما نمایش هنوز مانند یونان باستان هنری آمیخته‌است که اگرچه بی‌شک در اساس ادبی‌است. متضمن منظر نیز هست و از مهارت **هنرپیشه و کارگردان نمایش و فن البسه ساز و نورپرداز** استفاده‌می‌کند». (ولک، ۲٦۲:۱۳۷۳)

در ماشین‌نوشته‌ها گویی با نوشته‌ای که به صورت نمایش اجرا می‌شود مواجهیم که در آن ماشین و جاده و راننده نقش‌آفرینی‌می‌کنند و این عناصر، معنادار و در پیوندی منطقی چهره‌می‌نمایند.

«متن مشتمل است بر: ۱- عناصر معنادار ۲- وحدت این عناصر و ۳- تجلی این وحدت» (مکاریک، ۲۷۲:۱۳۸٤)از ایـن منظـر ماشیـن‌نوشتـه‌ها را به «هنر اجرا» (Performance art) نزدیک‌می‌یابیم اجرایی زنده که تن هنرمند نیز جزیی از متن‌است.

«هنر اجرا نوعی نمایش به منظور ارائه‌ی انگاره‌های هنری نو و حتی تبلیغ اندیشه‌های اجتماعی و عقاید سیاسی، که از اوایل سده‌ی بیستم گاه به گاه رواج‌داشته‌است برخی آن را هنر زنده می‌نامند. زنده‌بودن مشخصه‌ی اصلی آن‌است بدین معنا که در برابر مخاطبان و گاه با مشارکت ایشان اجرامی‌شود . . . عوامل دیگری چون پوستر، چراغ نئون، عکس و اسلاید و غیره نیز در این‌گونه نمایش‌ها به‌کارمی‌آیند» (پاکباز، ٥٦۲:۱۳۷۹) هنراجرا، گاه در خیابان با اشیاء مختلف و به کمک رهگذران برای ساعت‌های طولانی اجرامی‌گردید و رهگذران، بینندگان و مخاطبان اتفاقی آن بودند. (ر.ک.آرچر،۱۳۸۸: ۱۱٤-٦٥) چنانکه «خودرو نوشته ها به لحاظ اینکه در معرض دیدگان افراد جامعه هستند می توانند در امر ارتباطات نقش قابل توجهی داشته باشند و از این ابزار ...در جهت اهداف سیاسی ، اقتصادی ، تبلیغ و ...بهره برد.»(زندی و ... ، ۱۳۹۰ :۲۰٤)

نوشته‌های روی بدنه‌ی ماشین، ماشین، راننده، جاده و رهگـذرانی که به صـورت اتفاقی آن را مشاهـده می‌کنند. آن‌ها تنها متن را نمی‌خوانند بلکه مجموعه‌ای را که به یک اجرا مشغولند می‌بینند.

"نوشتار صرفا بازتاب زبان گفتاری در رسانه‌ای دیگر نیست بلکه قلمروهای دلالتی افزوده‌ای در سطوح پیرازبانی و غیرزبانی دارد که ناشی از کیفیات دیداری نوشتاراست"(سجودی،۱۳۸۸:۲۸۳)

باواراشی می گوید «رویکرد مطالعات فرهنگی، ژانرها را به عنوان پدیده‌هایی تلقی می‌کند که شامل خوانندگان ، نویسندگان ، متن و بافت می‌شود» (زرقانی ، ۱۳۹۵ : ٤٠٦) عمارتی مقدم ضمن پرداختن به نقش موقعیت به عنوان زیربنای مفهوم ژانر و تسری مفهوم ژانر به حوزه‌های غیرادبی از دهه ۱۹٦۰ ، به «دخیل دانستن عوامل برون متنی نظیر بافت ، ایدیولوژی ، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری ژانر »(عمارتی مقدم ، ۱۳۹۰ : ۳) اشاره می کند.

در پژوهشی روی ماشین‌نوشته‌ها در کشور غنا، رانندگان را مولف و ماشین‌نوشته‌ها را متن و رهگذرانی که ماشین‌نوشته‌ها را می‌خوانند مخاطب در نظر می‌گیرد (تالوه و آگوسین موساه ، ۲۰۱۵)

٤-۱-٤ ادبیات صنفی :

در روزگار گذشته دیوان‌اطعمه(بسحاق اطعمـه) و نیـز دیـوان‌البسـه (نظـام الـدین محمـود قـاری) مواجهه‌ی شعرها و اصطلاحات عامیانه و مرتبط با اصناف را با شعر رسمی نشان می‌دهند اگـر چـه ایـن آثـار، متعلق به قلمرویی دیگر و متفاوت‌است اما به وجهی، شاید بتوان از آن‌ها در کنار مواجهه‌ی ماشین‌نوشـته‌هـا بـا ادبیات رسمی و سنتی یادکرد. ماشین‌نوشته‌ها زمینه‌ای شغلی دارند یعنی متعلق به یکی از اصناف‌است. صـنفی که محصول زندگی جدید و مدرن است.و یک خرده‌فرهنگ را شکل‌داده‌اند . «محمود اکرامی» در کتاب «مـردم شناسی اصطلاحات خودمانی» در دسته بندی انواع خرده‌فرهنگ‌ها از خرده‌فرهنگ شغلی سخن می گویـد و در بخشی از کتاب، اصطلاحات مربوط به خرده‌فرهنگ شـغلی رانـدگان و ماشـین را آورده‌اسـت (ر.ک اکرامـی ، ۱۳۸٤ : ٦٦ و ۲٦۸-۲۷۰) در این صنف، ماشین، جدای از ابزار کار ، پیوندی احساسی و عـاطفی نیـز ایجـاد-کرده‌است. همین موضوع باعث‌شده که از نام اجزاء و قطعات ماشـین در ماشـین‌نوشـته‌هـا اسـتفاده شـود.یعنی «ترکیب سازی و ساخت اشعار با بهره گرفتن از قسمت های مختلف خـودرو»(دیوسـالار ، ۱۳۹۷ :۲۲). «جـواد انصافی» نیز در کتاب «کسبی خوانی»، ترانه‌ای عامیانه آورده که شاعر در خطاب بـه معشـوق خـود بـا اجـزای ماشین، تصاویر عاشقانه ساخته است (ر.ک انصـافی ، ۱۳۹۹ :۵۳) در بخشـی از فـیلم مسـتند «پشـت نویسـی» ساخته امیر فرض اللهی (۱۳۹٤)، سید محمد بهشتی شیرازی، ماشین‌نوشته‌ها را شهرآشوب می‌خواند.

شهرآشوب را در سه دسته‌ی شهری، درباری و صنفی جا می‌دهند که دسته‌ی سوم یعنـی شهرآشـوب-های«صنفی» به ماشین‌نوشته‌ها نزدیک است. « در وصف عاشقانه‌ی بازاریان، صنعتگران و به طور کلی مشـاغل اجتماعی... در این شهرآشوب‌ها انواع مشاغل، فنون کار و ابزارهای آن، اصطلاحات صنفی و کنایات صـنفی را می‌توان یافت هر شغلی با زبان ارتباطی خاص خود توصیف شده اسـت..» (نصـرتی، ۱۳۸٦:۳۱ -۲۹) نکتـه‌ی

قابل توجه، این که اغلب شهرآشوب‌های صنفی با توصیفات عاشقانه و گاه، اروتیک همراه‌است. «شعرایی که برای محترفه شهرآشوب سروده‌اند عموماً آن‌ها را شوخ و مه‌روی و محبوب و بت و دلبر و دلدار خوانده‌اند» (گلچین معانی، ۱۳٤٦:٥) در کنار ماشین‌نوشته‌هایی که مضامین عاشقانه دارند؛ «ریچاردز» به پیوند و دلبستگی مردان به اتومبیل نیز اشاره‌دارد (ریچاردز، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۲۹)

اشعار مربوط به حرفه‌ها و اصناف بیشتر در قرن دهم تکوین یافته یا اوج می‌گیرد (محجوب، ۱۳۸۳:۱۱۸۰) این موضوع وقتی اهمیت می‌یابد که در مطالعه‌ی جریان‌های ادبی، این روزگار را دوره مواجهه‌ی ادبیات رسمی و ادبیات عامیانه می‌یابیم.چون شعر و شاعران از فضای رسمی دربار دورمی‌شوند و به میان اصناف اجتماعی می‌آیند. باختین، دگر آوایی را به معنای «به رسمیت شناختن زبان‌های متفاوت بسیار ، گروه های اجتماعی و صنفی و جنبش‌های طبقاتی و ادبی... که هر زمان در جامعه عمل‌می‌کنند »(آلن ،۱۳۸۰ : ٤٥) می‌داند.

٤-۱-٥ ماشین‌نوشته‌ها و ساختار خرده‌ژانر پیام‌های‌بازرگانی

ماشین‌نوشته‌ها به وجهی بی‌شباهت به ساختار پیام‌های بازرگانی تلویزیونی به عنوان یک خرده‌ژانر که در میان برنامه‌ها پخش می‌شود نیست. مخاطب عمومی داشتن، کوتاهی و فشردگی، متن‌گونگی و . . . همه، وجوه این شباهت را برمی‌سازند. «آگهی‌های تجاری تلویزیونی غالباً ساختاری بسیار فشرده دارند و در آن‌ها از فنون و صناعات ادبی که به ایجاز کلام یاری می‌رسانند به‌وفور استفاده‌می‌شود» (پاینده، ۱۱:۱۳۸٥)باتوجه به سخن پاینده در مورد شباهت ساختار آگهی‌های تجاری، به ساختار متون ادبی و بهره گرفتن از شیوه‌ی بررسی ژانر داستانک در آگهی‌های تجاری (همان، ۱۲-۱۱ و ۹٦-۸۹) می‌توان چنین استنباط‌کرد که آگهی‌های تجاری نیز نوعی فرعی را به خود اختصاص می‌دهند.آگهی های تبلیغاتی را جزو نوع ادبی شبه ادبیات نیز دانسته‌اند «برخی، تبلیغات را معادل شعر می دانند» (ساجدی نیا ، ۳۰:۱۳۸٤)

ناخواسته دیدن پیام‌های بازرگانی در میان برنامه‌ها، همچون ناخواسته خواندن ماشین‌نوشته‌ها برای عابران یا دیگر رانندگان است..«این اشارات مختصر و کوتاه (ماشین نوشته ها) که در جامعه بسیار است و از شهری به شهری منتقل‌می‌شود و از دهی به دهی می‌رود و گروه‌های زیاد و طبقات مختلفی از مردم با سواد آن را می‌بینند» (برهانی، ٤١٦:١٣٦٦) و اینکه «ادبیات جاده‌ای شاید تنها موردی باشد که ما مجبوریم نوشته‌ها را در حال حرکت بخوانیم ... بریده بودن مطالب یعنی تک بیت بودن و...» باعث شده معیارهای دیگری برای ارزیابی آن بیابیم (جلیلی ، ۱۳۸٤ :٤١-٤٢) در پژوهشی میدانی، ماشین‌نوشته‌ها را که در معرض دید مردم هستند ابزاری ارتباطی و مناسب برای تبلیغات با اهداف مختلف می‌داند.(ر.ک زندی و ...، ۱۳۹۰ :۲۰٤)

٤-۲ فلسفه شکل‌گیری ماشین‌نوشته‌ها

٤-٢-١ ماشین و ماشین‌نوشته‌ها به مثابه امرنمادین وامرنشانه‌ای

گی دبور در کتاب جامعه نمایش می‌گوید «دیکتاتوری اتومبیل این فراورده پیشتاز و سرمشق نخستین فاز وفور کالایی با سلطه‌ی بزرگراه که مراکز قدیمی را ازجاکنده و پراکندگی همواره شدیدتری می طلبد؛ بر زمینه جامعه حک شد»(دبور،۱۳۹۹ :۱٦۹) همچنین پژوهش‌هایی دیگر که ماشین را ابژه‌ی بیگانه و استعاره‌ای از جهان سرمایه‌داری (ادیب‌زاده ، ۱۳۹۱ :۹۵) می دانند؛ همگی «ماشین» را همچون «امر نمادین» کریستوایی نشان‌می‌دهند.

«ماشین‌نوشته‌ها» را که تکرار یا بازگشت به فرهنگ و ادبیات کلاسیک به صورت خاص و ادبیات به صورت عام‌است می‌توان به مثابه‌ی «امر نشانه‌ای» کریستوایی دانست.

نقش بستن ماشین نوشته‌ها بر بدنه‌ی ماشین را تلاش برای غلبه بر خویشکاری ماشین (امر نمادین) یا به تعبیر کریستوا سرپیچی می‌توان دانست. یعنی کسانی که خود اولین گروهی‌اند که با این نماد قدرتمند مدرنیسم(اتومبیل) مواجه شده‌اندو همان‌ها در پی مقاومت در برابر آن هستند. جالب توجه اینکه دکتر حمیدی در کتاب خود می گوید در آغاز که ماشین وارد می شود مردم آن را « وسیله و حیله شیطانی می دانستند ...و با نوشتن شعری و نصب تصویری و نقش عکسی بر بدنه، در یا شیشه خودرو به گمان خود، خود را از خطر می‌رهانند » (حمیدی ، ۱۳٦۹ : ۱۰ و ۲۲)

کریستوا تحت تأثیر «گی‌دبور» نویسنده‌ی کتاب «جامعه‌ی نمایش»، می‌گوید: «شاخصه‌ی جهان امروز جامعه‌ی نمایش‌است.»(مک افی، ۱۳۸۵ :۱۷۰-۱٦۹) و «در بافت جامعه سرگرمی و کامروایی پیش‌ساخته یعنی فرهنگ نمایش، ضرورت فرهنگ سرپیچی احساس‌می‌شود»(برت، ۱۳۹۷ : ۱٤۲). اینجا «سرپیچی» (revolt) در تعبیر کریستوا به معنای فلسفی و ریشه‌شناسی‌اش موردنظراست «به معنای بازگشت ، بازگرداندن، کشف کردن ،پرده برداشتن و نوسازی» (کریستوا، ۱۳۹۹ :۹۵)«سرپیچی صرفا طرد و تخریب نیست بلکه آغاز دوباره است»(همان۱۲۹) در این سرپیچی، تن ماشین، همچون کورای نشانه‌ای می شود. ریچاردز در نگاهی روانکاوانه، درون بدنه‌ی ماشین را چون زهدان می داند(ر.ک.ریچاردز، ۱۳۸۸:۱۳۲)

از منظر نشانه شناسی لایه‌ای و نیز هنر اجرا، ماشین‌نوشته‌ها، باعث‌می‌شوند؛ ماشین، به لایه‌ی متنی دلالتگر و معناساز بدل شود. همچنین از اجزای ماشین به عنوان لایه‌ی متنی برای تصویرسازی بهره‌می‌برند چنان که در ادبیات صنفی، این نوع تصویرسازی‌ها را می بینیم. گویی ماشین‌نوشته‌ها ، ماشین را به لایه‌ای متنی بدل می کنند و با این کار، باعث فروپاشی مفهوم ماشین به مثابه امرنمادین می‌شوند. همچنین، با این عصیان آن را به امری زیبایی‌شناسانه بدل‌می‌کنند.

بنابراین در این حرکت از امر نمادین به امر نشانه‌ای، وجهی از بینامتنیت یا جایگشت به تعبیر کریستوا می بینیم یعنی بازگشت به کورای نشانه ای.و در همین فضای بینامتنی(میان امر نمادین و امر نشانه ای) ،

سرپیچی شکل‌می‌گیرد «بینامتنیت همان گذر از یک نظام نشانه‌ای به نظام نشانه‌ای دیگر است که متضمن تغییری در موضع نهاده ای ، تخریب موضع قدیمی و شکل دهی یک موضع جدید خواهد بود...متون نه تنها از آحاد متنی پیشین بهره گرفته بلکه آنها را دگرگون (می‌کنند)»(آلن ، ۱۳۷۷ : ۷۸) در دیالکتیکی که کریستوا «میان امر نشانه ای و امر نمادین ترسیم می کند...حوزه امر نشانه‌ای یا امرخیالی، تهدید به تخریب حوزه امر نمادین می‌کند » (مک آفی ، ۱۳۸۵: ۷۵)

٤-۲-۲ ماشین‌نوشته‌ها و ابژه‌ی ماشین

ماشین‌نوشته‌ها به عنوان خوانش عامه از فرهنگ وادبیات، توسط صنفی که خود محصول عصر مدرن است؛ مواجهه‌ی جهان مدرن و جهان سنتی را نیز نشان می دهد. شاید بتوان به وجهی آرمانی، این وضعیت را از بحث «والتربنیامین» در مقاله «اثر هنری در عصر بازتولید مکانیکی آن» البته از منظری دیگر، وام گرفت «در روزگاران گذشته آثار هنری رایحه‌ای (هاله) داشتند که از بی‌همتابودن آن‌ها نشات‌می‌گرفت ...رسانه‌های گروهی جدید این خصیصه‌ی نیمه مذهبی هنر را به طور کلی درهم‌شکسته‌اند»(سلدن ، ۱۳۷۷ : ۱۱۲) ماشین نوشته‌ها گویی برای غلبه بر خویشکاری ماشین (نماد جهان مدرن و استعاره سرمایه داری) می‌کوشند به ادبیات هاله‌مند گذشته بازگردند اگر چه این موضوع ناممکن می نماید زیرا «جنبه‌ی یکه‌ی اثر هنری از وجود آن در مجموعه‌ی مناسباتی که ما آن را سنت می نامیم جداناشدنی است »(بنیامین ، ۱۳٦٦ :۲٤٦) بنابراین همچون حسرتی بر جای می مانند و این موضوع در غلبه ی خویشکاری ماشین یعنی کالایی شدگی و نیز کم رنگ و اثر شدن ماشین‌نوشته‌ها دیده‌می‌شود.

البته باید توجه داشت که «بنیامین» بازتولید آثار و ازبین‌رفتن یکه‌بودن و هاله‌مندی ادبیات گذشته را شکستن اقتدار گذشته و باعث شکل‌گیری رابطه بی‌واسطه‌ی مخاطبان می‌داند.(همان، ۲٤۹-۲۵۰)

ماشین‌نوشته‌ها روی به سوی وضعیت و حالات کاربران خودرو دارند و نظریه‌های کسانی مانند بودریار ، دوسرتو و گیدنز مبتنی بر خود ماشین، به عنوان ابژه است. نگاه و تمرکز آن ها بر وضعیت و موقعیت ماشین در قلمروهای اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی است اما با توجه به مباحثی که مجموعه‌ی خودرو ، راننده ، جاده و ماشین‌نوشته را متنی پیوسته می‌بیند می‌توان این نگاه‌ها را نیز در قلمرو تعریف ژانر و ماشین نوشته‌ها موثر دانست. گارتمن می گوید «اتومبیل نه به عنوان ابزار تمایز طبقاتی یا فردگرایی توده‌ای که نشانی از هویت و سبک زندگی را در بین گروه‌هایی دارد که دیگر نه با طبقه بلکه با نژاد و جنسیت و غیره تمایزیافته‌اند»(هوشنگی ، ۱۳۹۲ : ٦۷)

ماشین اگر چه به امری عادی و روزمره در زندگی درآمده ونیز روزمرگی آدمی را تشدیدمی‌کند اما چنانکه در بحث کریستوا مطرح‌شد؛ ماشین‌نوشته‌ها به دلیل هویت‌یابی از ادبیات، می کوشند اندکی از سیطره‌ی ماشین و شیء شدگی، بکاهند چنان که بودریار می گوید «همه چیز حتی اگر واقعیتی پیش پا افتاده و روزمره

باشد زمانی که تحت نفوذ این جریان تابع نشانه‌ی هنر شود به امری زیبایی‌شناختی بدل‌مـی‌گـردد. (فدرسـتون، ۱۹۲:۱۳۸٦) هم ازاین‌روست که ماشین‌نوشته‌ها را متن‌هایی شـعرمحور مـی‌یـابیم یعنـی هنـوز منطـق نثـری و واقعیت‌گرایی بر آن‌ها کمتر حاکم‌شده‌است. حتی با آن که ماشین خود متعلـق بـه عصـر مدرنیسـم و عقلانیـت است اما در سازواره‌ی متنی، تکوین‌یافته‌اسـت کـه بیشـتر بـه بیـان احسـاس و درون‌گرایـی تمایـل‌دارد . در ماشین‌نوشته‌هاعمده‌ی شعرها مربوط به دوره‌ی عراقی و به ویژه سعدی و حـافظ اسـت یـا عبـارت‌هـایی کـه فضای حاکم بر آن،به فضای سبک عراقی نزدیک‌است یعنی عشق‌های فراقـی و تنهـایی و درون‌گریـزی ؛ «در میان شاعران گذشتهٔ فارسی، اشعار حافظ بیش از دیگران به‌کارگرفته شده‌اند؛ پس از حافظ اشعار سـعدی قـرار دارند و با فاصلهٔ فراوان شاعران دیگری مانند صائب، فردوسی، مولوی و باباطـاهر قـرار مـی‌گیرنـد.»(جعفـری قنواتی ، ۱۳۹۸ : ۱) این موضوع تاییدی بر بحث کریستوا مبنی بر امرنشانه‌ای‌دانستن شعر کلاسیک و بازگشـت به آن در هیات ماشین‌نوشته‌ها به مثابه‌ی سرپیچی است. از این منظر می‌توان گفـت ماشـین‌نوشـته‌هـا همچـون کبوترانی نشسته بر ماشین‌هایند و در تعبیر سپهری«سقف بی کفتر صدها اتوبوس»، رمانتیسمی را می‌بینیم که بر غلبه‌ی ماشین بر طبیعت مویه می کند[٤] یا همچنان‌که در هاله‌مندی ادبیات کلاسیک از منظر بنیامین ذکر شد. به ویژه وقتی می‌بینیم امروزه به تدریج ماشین‌نوشته‌ها (بیشتر در ماشین‌های شهری) به جای ادبیات به تبلیغ کالاها تبدیل‌می‌شوند یعنی تن ماشین به شکل مضاعف کالایی‌شدگی را بازنمایی‌می‌کند.

۵- نتیجه:

. این پژوهش در پی یافتن پاسخ دو پرسش بود:الف) فلسفه شـکل‌گیـری ماشـین‌نوشـته‌هـا و ب)چگـونگی تکوین ماشین‌نوشته‌ها به مثابه خرده‌ژانری در ادبیات عامه ایران.

الف : بر اساس سخن دبور در مورد دیکتاتوری ماشین و نماد کالایی شدگی و جهان مدرن دانستن آن، می توان ماشین را تصویری از «امر نمادین» کریستوایی دانست در مقابل آن، ماشین‌نوشته‌ها را که تکرار یا بازگشت به عبارات احساسی، درونی و ادبیات است می‌توان به مثابه‌ی «امرنشانه‌ای» در نظر گرفت و نقش بستن ماشین‌نوشته‌ها بر بدنه ماشین را تلاش برای غلبه بر خویشکاری ماشین (امر نمادین) یا به تعبیر کریستوا سرپیچی دانست. در این سرپیچی، بدنه(تن) ماشین همچون کورای نشانه ای می شود که بازگشت به کورای نشانه‌ای یا سرپیچی میان امر نمادین و امر نشانه ای شکل می گیرد.

از منظر نشانه شناسی لایه ای و نیز هنر اجرا، ماشین‌نوشته‌ها، بدنه (تن) ماشین را به لایه‌ی متنی دلالتگر و معناساز بدل می‌کنند که در معرض نگاه مخاطبان است . همچنین از اجزای ماشین به عنوان لایه‌ی متنی برای تصویرسازی‌های عاشقانه بهره می‌برند چنان که در شهرآشوب‌ها این نوع تصویرسازی‌ها را می‌بینیم. بنابراین گویی ماشین‌نوشته‌ها ، بدنه(تن)ماشین را به لایه‌ای متنی بدل می کنند و با این کار، باعث فروپاشی ماشین(نماد

کالایی شدگی و دیکتاتوری ماشین) به مثابه‌ی امرنمادین می‌شوند با این عصیان، همچنین، آن را به امری زیبایی‌شناسانه بدل‌می‌کنند.

ماشین با آن که خود شاخصه‌ی جهان مدرن وعقلانیت است در قلمرو ماشین‌نوشته ها،تن ماشین بخشی از متنی واقعیت گریز و درون‌گرا می شود. این موضوع را در غلبه‌ی ابیات وعباراتی می‌توان دید که به فضای سبک عراقی نزدیک است و مفاهیم انتزاعی ،احساسی،عشق های فراقی را باز می‌تاباند که تاییدی بر بحث سرپیچی در نظریه کریستوا و حسرت بازتولید ادبیات هاله‌مند گذشته در سخن بنیامین است.

ب : ماشین‌نوشته‌ها خوانش عامه از فرهنگ و ادبیات است و از سویی این خوانش توسط صنفی صورت‌می-گیرد که خود، خرده‌فرهنگی محصول جهان مدرن‌است. بنابراین به نوعی مواجهه جهان مدرن و جهان سنت نیز می‌توان دانست. درخوانش عامه از ادبیات رسمی، معمولا از قواعد حاکم بر ادبیات رسمی عدول می شود و ادبیات رسمی گاه تغییر و دگرگونی می پذیرد این حرکت از فرهنگ و ادبیات عامه به سمت فرهنگ و ادبیات رسمی، بر خلاف نظر شکلوفسکی و بختین است که فرهنگ و ادبیات عامه را آبشخور فرهنگ و ادبیات رسمی می‌دانند.

برای تبیین ماشین‌نوشته‌ها به عنوان خرده‌ژانر با توجه به شاخصه‌های انواع در ادبیات صنفی ، پیام‌های بازرگانی ، شبه ادبیات ،هنر اجرا و مقایسه‌ی ماشین‌نوشته‌ها با آن‌ها به ویژگی‌های مشابهی می‌رسیم که می‌توان ماشین‌نوشته‌ها را به عنوان ژانری فرعی در قلمرو ادبیات عامیانه محسوب‌کرد.

موضوع دیگر در ماشین‌نوشته‌ها سازواره‌ی متن‌است به‌طوری‌که در این سازواره، نوعی " هنراجرا" (Performance art) دیده‌می‌شود. یعنی چنان‌که در "هنر اجرا" بدن مؤلف، زنده‌بودن، نوشته، تصویر و مخاطب، همگی متن واحدی را شکل‌می‌دهند در ماشین‌نوشته‌ها نیز، ماشین، راننده، جاده و نوشته‌ی بر بدنه ماشین در مجموع متن را می‌سازند؛ متنی زنده که در پیش چشم رهگذران اجرامی‌شود.باید توجه داشت که بدنه‌ی ماشین، زمینه‌ای (Context) برای متن (text) می شود که به‌طبع بدنه‌ی ماشین با کاغذ تفاوتی اساسی دارد زیرا کاغذ نقشی در متن ندارد اما بدنه ماشین، نقشی فعال در متن، بر عهده دارد.

پی نویس :

۱ –ماجرای ماشین مظفرالدین‌شاه در کتاب "اتول نامه" ص۳۲ و فصل اول کتاب "فرهنگ اتومبیل در شهر تهران" آمده است.

۲– ماشین‌نوشته‌ها چارچوب‌های کامل یک متن را چون یک ژانر فرعی دارند.و رویکردهای مختلف را برای نقد و تحلیل بر می تابند. در این نوع جدید سطرها و شعرها از وابستگی به متن اولیه‌ی خود جدا شده به متنی دیگر و نوعی دیگر تبدیل شده‌اند. که به گونه‌ای یادآور نظریه‌ی مرگ مؤلف است زیرا ماشین‌نوشته‌ها گویی خوانشی از متن‌ها و انواع پیشین است که به متن و نوعی متفاوت رسیده است.

۳ –محمد جعفری قنواتی در گزارش کوتاهی با عنوان ادبیات جاده‌ای در تارنمای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی ماشین نوشته‌ها را گونه‌ای ادبیات شفاهی دانسته است و با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده با باور دفع چشم‌زخم مرتبط می‌داند و نمونه‌هایی از شعر شاعران را که در آن‌ها دخل و تصرف صورت‌گرفته‌است می‌آورد.

٤ – نقطه مقابل فوتوریسم که بیانیه آن «با تجسم غنایی حرکت طولانی یک اتومبیل آغاز می‌شود... می‌خواست نشان دهنده تلاش‌ها و سر و صداهای زندگی صنعتی نو باشد و جز از جنبش و هیجان زندگی جدید و مبارزات صنعتی و حرکت چرخ‌های ماشین و سیر اتومبیل و غرش هواپیما که همه مبین دنیای آینده اند سخن نگوید» (سیدحسینی، ١٣٧٦: ٦٦١-٦٦٢)

فهرست منابع:

کتاب:

آرچر، مایکل (۱۳۸۷) *هنر بعد از ۱۹۶۰*؛ ترجمه کتایون یوسفی، تهران: حرفه هنرمند ، .

آلن، گراهام. (۱۳۸۰) بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.

ادیب‌زاده، مجید (۱۳۹۱) امپراتوری اسطوره‌ها ، تهران : ققنوس.

استریناتی ، دومینیک (۱۳۸۷)مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه؛ترجمه ثریا پاک نظر ، تهران : گام نو..

اکرامی ، محمود (١٣٨٤) مردم شناسی اصطلاحات خودمانی ، مشهد : ایوار.

انصافی ، جواد (۱۳۹۹) کسبی خوانی ، تهران : گویا.

برت، استل. (۱۳۹۷) کریستوا در قابی دیگر. ترجمه مهرداد پارسا، تهران: شوند.

بنیامین ، والتر (١٣٦٦) اثر هنری در دوران تکثیر مکانیکی آن، در کتاب نشانه‌ای به رهایی، ترجمه بابک احمدی ،تهران : نشر تهران.

پاکباز، رویین(۱۳۷۹) *دایره المعارف* هنر؛ تهران: فرهنگ معاصر. .

پاینده ، حسین (۱۳۹۷) نظریه و نقد ادبی ؛ چاپ اول ، تهران: سمت .

پاینده، حسین(۱۳۸۵) *قرائتی نقادانه از آگهی‌های تجاری در تلویزیون*؛ تهران: روزنگار.

تودورف، تزوتان (۱۳۸۷) *مفهوم ادبیات*؛ ترجمه کتایون شهپرراد، تهران: قطره.

جلیلی، جواد(١٣٨٤) *ادبیات جاده‌ای*؛ قم: وفایی.

حمیدی، سید جعفر (١٣٦٩) ماشین نوشته ها ، تهران : موسسه نسل دانش.

دبور، گی. (۱۳۹۹) جامعه‌ی نمایش. ترجمه بهروز صمدی، تهران:آگه.

ریچاردز، بری (۱۳۸۸) *روانکاوی فرهنگ عامه*؛ ترجمه حسین پاینده، تهران: ثالث .

زرقانی ، مهدی (۱۳۹۵) نظریه ژانر ؛تهران : هرمس .

سجودی،فرزان (۱۳۸۸) نشانه شناسی نظریه وعمل ؛تهران:علم .

سلدن، رامان و پیتر ویدوسون. (۱۳۷۷) راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.

سیدحسینی ، رضا (۱۳۷٦) مکتب های ادبی ، تهران: نگاه.

کریستوا، ژولیا. (۱۳۹۹) علیه افسردگی ملی. ترجمه مهرداد پارسا، تهران: شوند.

کریستوا، ژولیا. (۱۳۹۸) فردیت اشتراکی. ترجمه مهرداد پارسا، تهران: روزبهان.

گلچین معانی، احمد (۱۳٤٦) *شهرآشوب در شعر فارسی* ؛ تهران: امیرکبیر.

مبارکشاه (۱۳٤٦) *آداب الحرب و الشجاعه*؛ تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال .

محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۳) *ادبیات عامیانه ایران*؛ به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه .

مک آفی، نویل. (۱۳۸۵) ژولیا کریستوا. ترجمه مهرداد پارسا، تهران: مرکز.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸٤) *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی* ؛ ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه .

ملپس، سایمون و پاول ویک. (۱۳۹٤) درآمدی بر نظریه انتقادی. ترجمه گلناز سرکارفرشی، تهران: سمت

ولک، رنه و آوستن وارن(۱۳۷۳) *نظریه ادبیات* ؛ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علم و فرهنگی .

هادیان طبایی‌زواره، سیدجمال(۱۳۸۸) *اتول‌نامه فرهنگ ماشین‌نوشته‌ها در ایران*؛ تهران: نشر یک .

هوشنگی ، طاهره (۱۳۹۲) فرهنگ اتومبیل در شهر تهران ؛ تهران : تیسا .

هیلیس میلر، جوزف(۱۳۸٤) در باب ادبیات ؛ ترجمه سهیل سمی، تهران : ققنوس .

مقالات:

آنی‌زاده ، علی (۱۳۸۵) ادبیات جاده‌ای ، مجله شعر ، شماره ٤۸ ، صص ۹۸ تا ۱۰۱ .

برهانی، مهدی (۱۳٦٦)« شعرهای دلپسند بیابان نوردان» ؛مجله آینده، سال ۱۳، شهریور و مهر، شماره ۷ و ٦ ، ؛ صص ٤۱۷-٤۱۳.

جعفری قنواتی، محمد(۱۳۹۸) یادداشت «ادبیات جاده‌ای»، تارنمای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (www.cgie.org.ir (23/4/1402.

حسین پور دهنوی، عباس (۱۳۹٦)« بررسی زبان شناختی ماشین نوشته ها از تحلیل کلامی تا تحلیل بلاغی»؛تحقیقات جدید در علوم انسانی،ش۲۲؛ ؛صص۱٦۵-۱۷٤.

دیوسالار، فرهاد (۱۳۹۷)«تاملی در ویژگی های ادبی و زبانی ماشین نوشته ها»؛مطالعات نقد ادبی ،سال۱۳،ش٤۸؛صص۹-۳۲.

زندی ، بهمن و ... (۱۳۹۰)«بررسی زبان شناختی خودرونوشته های تهران و اردبیل» ؛ فصلنامه تحقیقات فرهنگی ،دوره٤،ش٤، ؛ صص۱۸۵-۲۰٦.

ساجدی نیا ، طهمورث (۱۳۸٤) شبه ادبیات ،مجله پژوهش های زبان خارجی ، شماره ۲۵، ؛ ص ۲۱-۳٤ .

سبزیان‌پور، وحید (۱۳۹۰)« نگاهی به پندهای مکتوب بر ابزار و لوازم زندگی . . .»؛ بوستان ادب، دانشگاه شیراز، سال دوم، ش اول. ؛صص ۱٤۷-۱۷۸ .

عرب یوسف آبادی ، فایزه و ...(۱۳۹۸) « بررسی تطبیقی ماشین نوشته های عربی و فارسی بر اساس الگوی هلیدی»؛ کاوش نامه تطبیقی ، سال۹، ش۳٤ ،صص۲۱-۳۸.

عمارتی مقدم ، داوود (۱۳۹۰)نقش موقعیت در شکل گیری ژانر ،نقد ادبی ، س٤ ، ش۵ ،؛صص۸۷-۱۱۱.

فدرستون، مایک (۱۳۸٦)« زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره» ؛ترجمه مهسا کرم‌پور، ارغنون، شماره ۱۹، ؛صص۱۸۷-۲۱۷.

فکوهی، ناصر(۱۳۷۸) « مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و ادبیات عامه» ؛ کتاب ماه علوم اجتماعی، مهرماه، ش ۲٤-۲۳ ، ؛صص۳۵-۳۷ .

کوثری ، مسعود (۱۳۸۹) «گرافیتی به منزله هنر اعتراض » ؛جامعه شناسی هنر و ادبیات ،سال۲، ش۱، ؛ صص٦۵-۹۹.

ماشری، پیر (۱٤۰۲) دفاع از نظریه بازتولید ادبی؛ ترجمه سمیرا رشیدپور ؛ تارنما پروبلماتیکا ۱٤۰۲/٤/۹ http://problematica-archive.com

نصرتی‌سیاهمزگی، علی (۱۳۸٦)« شهرآشوب»؛ نامه فرهنگستان، بهار، ش ۳۳، ؛صص ۲۸-۳۳.

Darwish, Ibrahim & Rafat Mahmoud Al Rousan ,,"Words on Wheels: Investigating Car Inscriptions in Jordan" ,, Journal of Educational and Social Research · October, Vol 9, No 4 ,2019,, 128-137.

Taluah , Asangba Reginald & Agoswin Musah ,," MOVING POETICS: A LINGUISTIC ANALYSIS OF INSCRIPTIONS ON VEHICLES" ,, THE DAWN JOURNAL VOL. 4, NO. 2, JULY – DECEMBER,,2015, 1126-1139.

Inscription on Vehicles : the foundation of a kind of sub-genre in literature

Phrases and Poems from official literature are written on the body of the car as a feature of the modern world. While showing the encounter between the modern and traditional world , can be considered a type of folk reading from official literature. In this reading, official literature is usually separated from its format, type and style, and appears in a different space . This research has been analyzed and explained , based on genre theory, layered semiotics and the opinions of people like Kristeva and Debord, while comparing written on the vehicles with other subgenre and performance art. The results showed that in the encounter of culture, folk literature and the modern world with culture, official literature and the world of tradition, Written on the vehicles as a reading of official and traditional culture and literature along with the visual layer of the text and guild characteristics. Also, according to the features and signs that are close or almost identical to the classical and new varieties, it has been formed as a sub-genre. On the other hand, considering the connection of the Inscription on vehicles with the body of the car, this structure of the text can be analyzed from Kristova's point of view: Inscription on vehicles is an attempt to overcome the car as a semiotic and to return to emotional expressions and literature as a symbolic In a sense, it is a revolt that is formed in the intertextual space between the semiotic and the symbolic.

- Key words: " Inscription on vehicles " - "Sub genre" - "Popular literature" - Kristova